

رفیق محترم

نامه اخیرتان را دریافت داشتم . چند روز پیش از دریافت نامه رفیق محترم  
منظومه اضریحان را راجع به زندگی یک کلموز و مقاله اش با زندگی در یک ده ایرانی  
همین داده بود . قرائت منظومه مرا به نظرش نامدای برانگیزه بود ولی هنوز نامه  
ننوشته بودم که نامه محبت آن عزیزان را دریافت داشتم .

ملاحظه بفرمایید در باره منظومه « احمد و ایوان » برداشتم : این به دن  
لبا خوب است که شاعر ما بجای سخن در کلیات و قانع شخص را لمس می کند  
بجای ده دهقان کلی ، آلتی آقاچ و ایوان و احمد زنده و حقیقی در مقابل  
او هسته و او آنها را وصف می کند . من از خواندن شعر شما بسیار خوشتم  
آمدن از اجداد گانه برای چند تن از رفقا خواندم . راه درست را یافته ایم .  
در باره شعر با بهر گویم روان و سهل و دلپذیر است . وضاحت مرعات  
شده . در باره طرز ترکیب یا کمپوزیسیون مطلب با بهر گویم شامل نکته لغوی  
و ابرک اندیشیهایی است ولی قافیه به صبح از در کلیات گذرتم و بهر گویم و بهر گویم  
شخص برداشتم . این کبر شخص بودن را بارها بارها تا کنه کرده و از  
حمد برداشتم و کلمه با ف ( یا : فراژر ) لغزت داشته است .  
چه چیزهایی را در این شعر شنیدیم و چه چیزهایی را نپندیدیم ؟

۱- چه چیزهایی را نپندیدیم

شما در این منظومه خود سه وزن انتخاب کرده اید (۱) صبح با بهره درخنده  
( وزن عروضی : فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن ) (۲) تا واریش ایوان اجازت دارم  
( فاعلاتن فع فاعلاتن فع ) (۳) دیده ام بر احمد و ایوان دلم جایی در  
( فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن ) . این تحول وزن را گویا برای  
آنکه بین وزن و موضوع هم آهنگی ایجاد کند ، اجراء نمودید . وزن اول توصیفی  
است ، وزن دوم برای محاوره و وزن سوم سنگین و اندوهناک است .  
ولی با اینحال من با اینکار موافق نبودم ، برخی از شعرا در از آنکه رفیق لاهوتی  
این کار را می کند ولی تصور نمی رود سودمند باشد . تازه اگر هم در یک منظومه  
تحول وزن رخ دهد با بهر مانده تحریر در آواز بر آید اوزان هاهنگ باشد  
مثلاً اگر بشود تحول وزن از  $\text{فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن}$  به  $\text{فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن}$  یا  
اثر عمومی شعر از امل می کند ، خوب نیست .

شماره این منظومه گاه قواعد محقول و غیر متکلفانه قافیه را بهم زردی در سینه قافیه فارسی  
یعنی تران در فعل را قافیه کرد مگر آنکه حرف روی (یعنی حرف قبل از بی افزود فعلی) امر است  
شود. مثلاً: هسته و می نشیند قافیه نمی شود زیرا اگر بی افزود فعلی یعنی (ید) را بیانه از  
باقی میانه هست و می نشیند که با هم قافیه نمی شود. هسته با رسته و گسترده و غیره  
می نشیند با می گزیند و غیره قافیه می شود. این غلط قافیه در روحاً و فکرارسته است

۱ - شایک نیز کلخوزی هسته؟

- به پس چرا می نشیند

۲ - دوینا در شهر قصیل می کند  
دو سال دیگر دکتر می شود (مابی آیه قافیه هسته و ملتیه که انهم حفظ است)

و حال آنکه می کند تنها با می زند و می شود با می رود هم قافیه است.  
عیب قافیه با بن محدود نیست. هاء مملووظ را که مثل h خوانند است و نای غیر مملووظ را  
که تنها صدای ه روسی سینه می توان قافیه کرد. یعنی ده (deh) را با ساره  
(Sade یا Cago) می توان قافیه کرد و شما گویید.

مگر من کدام؟ دهقانی ساره

بالا تر از من هسته در این ده (هم چنین کمی دورتر قافیه ده با خانواده)

گمانم خواهی گفت؛ باید تابع مقررات جابده قافیه سازان کن شد و رسمی نو آورد. اینک  
کللی ملاحظه در قافیه کافی است. این نوآوری بنظم درست نیست. شکر و وزن و  
قافیه زنده است مگر آنکه بجای هم شکر سفید بگوئیم. هر قواعد وزن و قافیه را باید مراعات  
کرد تا در واقع تکلیف شاعری دچار برج و مرج نشود. مثلاً در زبان روسی قواعد فعلی (کلا گول)  
گرچه مرسوم است سخیف محسوب می شود. ملاحظه ار کمال تکلیفی در هر هسته و با گونه  
تذلیل و (omouydenime) آن عهداً مخالفیم. گمانم نیز شمار موازن حکم  
ادبی و هنری استوار باشد تا نه تنها زبان بلکه و آرای صلابت واقعی کی اثر حکم بزرگ باشد.  
شماره این منظومه گاهی یکبار سرسری (خالتور) پرداخته و حال آنکه با قریح بیار  
خوبی که دارد می توان منتظرانه هم توقع داشت با آنکه زحمتی در این خالتورها حلص  
شده است مثلاً

تا که از زیر سینه ها سگ جاق (?)

سید و پیش می کند واق واق

یا مثلاً

بچه خوکش گرم طننازی (این جنب است)

سپاه قائم شوک بازی (?)

خواهی گفت می خواستم قشربهات ساره مردم هم را وارد اثر ادبی کنم. این بسیار خوب است  
ولی بر کار در حدودش و با حفظ ذوق و مراعات موازن زبانهای بزرگی سینه است  
و لا سگ جاق و واق واق و قائم شوک بازی مگر مرسته ادبیت و ارتقا و هنرمندی کند.

باز هم آنچه که نیتیم آنت که اوزان محدودش کرات در شردیه می شود  
مناقباً وزن حزب حفظ شده و بسیار خوش طین و عبا آماده است مثلاً:

اینهم کاتیا - کاتیا بی  
بیا در قتری طنزانه زیبا

فانتس چون سروگردنش چون قو  
مدهای طلایی آتیت زانو

پوشیده جامه نو عثمایی  
مزیفش بافته روبان آبی

لبایر حزب . اما در این ایشار وزن محدودش است:

فاشیزم وحشی خطر بود شر

بهر سخاوت بیشتر زین خطر

(که بایر منظور خواند: بهر سخاوت || بیشتر زین خطر - کمره در مورد حفظ وزن نقش  
برسی با برسی می کند)

سال ۵۴ بوده در آلمان

و که با بی خواند: سال چیل / پنج بود که از آلمان - که باز هم همه در اینجا بر دل

برسی دلدرو و وزن محدودش است) عیب عمد در سطره شتا است که سادگی  
رزانیا که نارسائی های لفظی بود که دریم . سادگی خوب است ولی خانه تا  
غیر صریح ، توصیفات زیاد در آن دجور در در . سادگی خوب است ولی خانه تا  
انجا که اثر تیری کپی رنگی کند. هر چه است باید بر مبادی یعنی بر مبادی و استیک  
بزی استوار باشد . به بنده این خوب است:

گوجه فرنگی دارم در این باغ

گوجه فرنگی مانند چراغ

صندل بودم می رسد انگور

انگور چه انگور دانه ریلور

ولی این بگره چا رسادگی غیر بزی و تفصیل زیاد است:

رو اطاق دارم یک آشنی خانه

برای مرغها است آن لانه

جام و انبار در زیر من هم هست

و سخاوت آغل گاو و گوسفند است

نظرساره لوحانه و Навѣнчѣ مرید ، این نیز سادگی мочѣнчѣ که مطلوب  
است و ساره لوحانه بودن Навѣнчѣ که بسیار مطلوب است فوق که است در  
شوشا این عیب وجود دارد. معادله گفته ایوان و بعضی طولانی و دارای حرفهای زائد است .

آیا با ایرادهای خودشان را بنام بطلان نه، سپردیم که شاکه‌چی سپردیم انعقاد بنا  
 حبابی قوی شاعر است. زنی شاعر و ادیب در زیر آینه زبانه انعقاد پدیداری شود  
 من بسیار خوشالم که منظومه احمد و ایوان شاکه‌چی - توافقاتی است که در نامه پیشین مطرح  
 کردم، نزد خود گفت: ها این است آن نزدی که بخوانده پیشین مرود زیر اخذ را  
 به بعضی رسیده من بنیاد. مخفی مرگ هنر و هنرمند است.  
 منظومه ایوان داوید رودان، رسا، دلپذیر است، هفت و لبست مذاکرات خوب  
 نگاه ما هنرانه است. وصف زندگی رودان (شوروی دایرانی) واقعی و کمزور دار است.  
 منظومه رودبهره موضفیت آینه است. تقاضا من اینست که از اطمینان انعقاد آتی  
 که کرده ام یکبار دیگر صبراً دستکاری odpoko mka کنید. وزن یکبار تأخیر  
 حکم، تفصیلات زاده حذف، سادگی غیر هنری بر طرف شود، منظومه بسیار خوبی به دست  
 می آید.  
 این باختصار در باره منظومه اخیرتان.

۱) امور باره سوالات شما: Hafoy به خلق یا مردم ترجمه شود. مردم  
 و سپیده است ولی در همه ترکیبات درست در معنی آید. لذا کافی ندارد در خلق عدد بگیریم.  
 ۲) Sceme جمله را ما صحنه ترجمه می کنیم که نایش روی آن انجام می گردد. مجموعه  
 ولی آنچه که شما از افراد act می بردید در در تائیدنامه های نویسنده «جلس» ترجمه  
 می شود. (مثلاً مجلس یک: ایوان، کاتب، هفت بعداً دارد می شود) ولی نویسنده  
 در کتاب خود همان سن گذاشته است. سخن من مجلس بهتر است.  
 ۳) Opas این لغت معنی روسی دارای معنوم بفرنج و متوجهی است و مابقی تلفظ نظری  
 در فارسی که تمام معنی odpas جواب دهد معنی در نیست. odpas در درام  
 بیشتر در فارسی پرسناژ یا اشخاص ترجمه می شود. در موضوع نری ستوان اثر  
 نقاب «نقاد» استعارات و نظیر آن ترجمه کرد. منظور شما در درام تشریحی است  
 که همان اشخاص یا پرسناژ است.  
 اینک خواهشها: نظر خود را در باره انعقاد من آشکارا بیان دارید در صورتی  
 که با آن موافقتی منظومه خود را اصلاح کنید.  
 در شانز این منظومه با ایجاد اشاری از لحاظ هنری بجز توجه است

زبند، آقا موفق خواهی شد.  
 سلام مرا بشوهرت همان اجماع کنید  
 آذر شب صمیمانه سلام مرگویی  
 باقیه به برین مرودها - پرورش

Tabayun